

به فارغ‌التحصیلان آچار به دست نازمند

نبود توازن در هر آموزش عالی موجب شده تعداد تکنسین‌های ماهر، بسیار کمتر از تعداد کارشناسان باشد. یکی علوم انسانی خوانده است و در صنعت کار می‌کند، دیگری با مدرک کارشناسی ارشد نمی‌تواند کار پیدا کند و آن یکی هم تازه فهمیده است که آموخته‌های دانشگاهی‌اش به درد بازار کار نمی‌خورد. اگر آموزش دانشگاهی همان نظام آموزش عالی را مثل یک هرم در نظر بگیریم، هنر ز ادبی می‌خواهد که دانشجو آن، فارغ‌التحصیلان و مسئولان، آن هرم را به طرز ماهرانه ای مدیریت کنند. اما وقتی آن هرم نظام آموزش عالی، به صورت بی‌نظم و بدون برنامه ریزی رشد کند، آن گاه اثر آن رشد نامتوازن به طور مستقیم بر بازار کار اثر می‌گذارد و در نتیجه، همان مشکلاتی پیش خواهد آمد که ابتدای گزارش به آن اشاره کردیم.

مثلاً یکی از عمده مشکلات آن هرم، رعایت نشدن تعداد تکنسین‌ها همان کاردان‌ها در برابر تعداد کارشناسان هاست. البته آن حرف به آن معنی نیست که با تعداد کارشناسان با تعداد تکنسین‌ها برابر باشد، بلکه منظور از چالش مدیران آن هرم آن است که با د در قاعده هرم، تکنسین‌ها همان فارغ‌التحصیلان آچار به دست قرار بگیرند و سپس در قاعده بالاتر آن هرم، کارشناسان با تعداد کمتری از تکنسین‌ها جای بگیرند. مثلاً اگر در کشوری هر آموزش عالی به آن شکل باشد که به ازای هر صد کاردان، صد کارشناس هم داشته باشد، آن گاه در آن شرایط گفته می‌شود که هر آموزش عالی در آن کشور به هم ریخته است و برای اصلاح آن باید تعداد تکنسین‌ها را افزایش داد.

تکنسین‌ها همان کاردان‌ها در کشور ما، فارغ‌التحصیلانی هستند که تا مقطع فوق‌دپلم درس خوانده و سپس جذب بازار کار شده‌اند. آن‌ها در زمره ذروهایی مهارتی به حساب می‌آیند که به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای توسعه در هر کشوری شناخته می‌شوند.

فقر تکنسین در بازار کار ایران

در اغلب کشورهای توسعه یافته جهان، بزرگ‌ترین قاعده هرم آموزش عالی را فارغ‌التحصیلانی تشکیل می‌دهند که پس از فراغت از دبیرستان، یک دوره کوتاه مدت آموزش مهارتی را در دانشگاه می‌گذرانند و سپس جذب بازار کار می‌شوند. آن‌ها در زمره ذروهایی مهارتی نسبی‌ای که دارند، خیلی سریع جذب بازار کار می‌شوند و کارفرما آن‌ها را به نسبت به جذب آن‌ها در زمره ذروهایی با علاقه‌مند هستند.

اما در کشور ما اوضاع قدری متفاوت است. در حالی که در کشورهای صنعتی و توسعه یافته، به ازای هر پنج فوق‌دپلم و تکنسین یک کارشناس وجود دارد، اما بر اساس گفته‌های مسئولان، در کشور ما به ازای هر سه کارشناس، یک فوق‌دپلم وجود دارد.

هم‌اکنون حدود 66 درصد دانشجو آن کشور در مقطع کارشناسی و 23 درصد دانشجو آن در مقطع کاردانی تحصیل می‌کنند؛ در حالی که حداقل باید آن آمارها برعکس باشد.

معنی در کشور ما نه تنها تعداد تکنسین‌ها بیشتر است، بلکه تعداد کاردان‌ها هم به نسبت کمتر از تعداد کارشناسان است. آن حرف به آن معناست که در هر نظام آموزش عالی کشور، توازن به طور جدی به هم ریخته است و طوری شده که در قاعده آن هرم، ابتدا کارشناسان قرار دارند و سپس تکنسین‌ها در رتبه دوم جای گرفته‌اند.

تبعات کمبود تکنسین

نبودن روی تکنسین کافی در هر کشوری، اثرات منفی متعددی روی بازار کار و چرخ توسعه کشور می‌گذارد. در شرایطی که ذروهایی انسانی ماهر و کاربلد، به عنوان اصلی‌ترین محور توسعه در هر جامعه‌ای شناخته می‌شود، نمی‌توان با توجه به مطلق بودن علوم تئوری و فارغ‌التحصیلان علوم تئوری، به توسعه‌ای پا دار و همه جانبه رسید. در جامعه‌ای که تعداد مدیران و کارشناسان بیشتر از تعداد آچار به دست‌های ماهر باشد، نمی‌توان به رشد صنعتی آن

کشور، چندان امه دوار بود.

قلب تپنده اغلب صنایع به عنوان موتور محرکه پیشرفت، نیروهای ماهر و کارآفرینان است، اما در صورتی که جامعه ای نتواند در تربیت تکنسین ها موفق شود و عمده تمرکز خود را بر تربیت نیروهای غیرفنی بگذارد، درازا زود مجبور به واردات نیروهای ماهر از کشورهای دیگر می شود.

جالب است که براساس آمارهای وزارت کار، هم اکنون بیش از 2.5 میلیون شغل در کشور دارد که نیروهای ماهری برای انجام این کارها در کشور وجود ندارد.

به این دلیل، با وجود آن که هم اکنون حداقل 4.5 میلیون فارغ التحصیل در کشور دارد، اما 2.5 میلیون شغل بر زمین مانده در کشور وجود دارد که برای تصدی این شغل ها، هیچ روی کاربلدی نداریم! این در حالی است که اگر بر تربیت تکنسین های ماهر تمرکز می کردیم، آمار بکاری نیز به شکل چشمگیری کاهش پیدا می کرد.

نیز از مبرم به فرهنگ سازی

مدرک گرایی، یکی از آفت های قدیمی نظام آموزش عالی است. وقتی در جامعه ای ارزش مدرک تحصیلی بالاتر از توان و مهارت افراد می شود، در نتیجه تمام دانشجویان برای ادگرمهارت پائین می آید و در عوض، دانشجوی ترجیح می دهد که برای کسب جایگاه اجتماعی و رفاهی بالاتر، تا حد امکان به مدارج بالاتر تحصیل دست پیدا کند. دکتر علی صدر، معاون دانشگاه جامع علمی- کاربردی کشور در گفت و گو با جام جم معتقد است که یکی از راه های اهمیت دادن به آموزش های مهارتی و افزایش تعداد تکنسین ها در کشور این است که به دانشجویان آموزش دهیم که قرار نیست همه آنها تا مقطع دکتری ادامه تحصیل دهند.

وی بر این باور است که با این نهادهای فرهنگ ساز مختلف مثل رسانه ها و سازمان های متولی، به دانشجویان آموزش دهند که نه تنها دانشجوی، بلکه حتی جامعه هم به این کار نیاز ندارد که همه دانشجویان تا مقطع دکتری ادامه تحصیل دهند.

به گفته این مقام مسئول، در بسیاری از اوقات، هم این که یک دانشجوی با مدرک کارآفرینی بتواند جذب بازار کار شود و آموخته های مهارتی اش را در بازار کار به خدمت بگذارد، می تواند نقش بسیار پررنگی در پیشرفت جامعه ایفا کند و حتماً نیاز نیست دانشجویان تا عالی ترین سطح نظام آموزش عالی درس بخوانند تا برای خودش و جامعه مفید واقع شود. برگزاری دوره های کارورزی و ارائه آموزش های مهارتی به دانشجویان، روشی است که به گفته صدر می تواند دانشجویان را از تکیه صرف به مباحث تئوری نجات بدهد و کاری کند که فارغ التحصیلان در بازار کار هم حرفی برای گفتن داشته باشند.

البته وی توضیح می دهد که در دانشگاه علمی- کاربردی، حدود 60 درصد دانشجویان، قبل از ورود به دانشگاه شاغل بوده اند و صرفاً برای تکمیل اطلاعات علمی خود به دانشگاه آمده اند.

ارائه آموزش های مهارتی در دانشگاه ها به افراد شاغل و حمایت از این گروه شاغلان، راه حل دیگری است که به گفته صدر، این کار موجب می شود که تعداد تکنسین های ماهر و تحصیل کرده در کشور به طور چشمگیری افزایش پیدا کند.

کمیبود تکنسین در رشته های معدنی و کشاورزی

اگر از فارغ التحصیلان رشته های فنی پرسش کرد، تقریباً همه به این نکته واقف هستند که بیشتر این حجم بکاری در رشته های فنی، معمولاً مربوط به فارغ التحصیلان رشته های مهندسی کشاورزی و معدنی است.

آمارهای مختلف هم از بکاری صد تا 200 هزار مهندس کشاورزی خبر می دهد؛ مهندسانی که اغلب کار هستند اما در رشته های مشغول به کارند که هیچ ارتباطی به رشته تحصیلی شان ندارد.

اما جالب است که در همه رشته کشاورزی هم با کمیبود تکنسین روبه روهستیم.

به طور مثال، چندی پیش معاون بخش تحققات غلات کشور تأکید کرده بود که کمیبود تکنسین کشاورزی در بخش تحققات غلات، باعث محدودیت در عملکرد این بخش شده است.

همچنین مهر سال گذشته نیز معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به کمیبود تکنسین ماهر در رده های مختلف اشتغال بوزنه در رشته مهندسی معدن، عنوان کرد که کمیبود تکنسین ماهر از مشکلات اساسی حوزه کار است و به نظر می رسد حوزه معدن نیز با این روبه روهستد.

نه تنها در این دو رشته، بلکه در بسیاری از رشته های دیگر نیز کمیبود تکنسین به صورت جدی وجود دارد.

یکی از عمده دلایل این وضع، تمرکز دانشجویان کشور روی چند رشته محبوب و پرداختن به رشته های علوم دیگر است. به طور مثال، بیشتر نژمد رکل دفتر نظارت و ارزشیابی آموزش عالی وزارت علوم با صراحت اعلام کرده بود که

85 درصد دانشجویان کشور فقط در 20 تا 25 درصد رشته های دانشگاهی تحصیل می کنند. حال با این حساب می توان راحت تر تحلیل کرد که تمرکز زیاد دانشجویان روی چند رشته پرتعداد مثل حسابداری، موجب شده است که در سایر رشته های دانشگاهی، نیاز به تکنسین در رشته های کم طرفدار بارز باشد. بنابراین می توان عنوان کرد که تا وقتی دید عمومی جامعه نسبت به مشاغل دستی و مهارتی تغییر نکند و همچنان دانشجویان، ادگرفتن کار عملی و عرق ریختن در کارگاه ها را مثل ادگرفتن مباحث تئوری، ضروری به شمار نیاورند، نمی توان هریم نظام آموزش عالی را اصلاح کرد.

در این میان، مسئولان نیز می توانند با حمایت مالی و شغلی از فارغ التحصیلان ماهر مقطع کاردانی و تلاش برای ترویج دوره های کوتاه مدت دانشگاهی، بستری را فراهم بیاورند که در آن، تحصیل در رشته های مهارت محور مقطع کاردانی، این قوت قلب را برای دانشجویان به همراه بیاورد که مطمئن باشند پس از فارغ التحصیل می می توانند شغلی مناسب را در بازار کار به دست بیاورند.